



تاریخ جامع جنگ‌های صلیبی

جلد یکم (قسمت دوم)

پژوهش و تحلیل

به اهتمام: دکتر عبدالله ناصری طاهری (عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء(س))

پژوهشگران: دکتر عبدالله ناصری طاهری،
فاطمه آتشی، لیلا اشرفی، لیلا خسروی، مهناز شعرباغچی‌زاده
و دکتر سمیه‌سادات طباطبایی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

بهار ۱۳۹۴

تاریخ جامع جنگ‌های صلیبی / به اهتمام عبدالله ناصری طاهری. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۴.
ج. ۱۲. (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۳۱۲: تاریخ؛ ۶۶)

ISBN: 978-600-298-077-9

بها: ۲۴۵۰۰۰ ریال

فیپای مختصر.

این مدرک در آدرس <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است.
نمایه.

مندرجات: ج. ۱: پژوهش و تحلیل.

الف. ناصری طاهری، عبدالله، ۱۳۳۹- ، گردآورنده. ب. آتشی، فاطمه. ج. اشرفی، لیلا. د. خسروی، لیلا.

ه. شعرافچی‌زاده، مهناز. و. طباطبایی، سمیه‌سادات. ز. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ح. عنوان.

۳۸۳۲۵۸۷

شماره کتابشناسی ملی



تاریخ جامع جنگ‌های صلیبی (ج ۱): پژوهش و تحلیل

به اهتمام: دکتر عبدالله ناصری طاهری (عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء(س))

پژوهشگران: دکتر عبدالله ناصری طاهری، فاطمه آتشی، لیلا اشرفی، لیلا خسروی، مهناز شعرافچی‌زاده

و دکتر سمیه‌سادات طباطبایی

ویراستار: سعیدرضا علی‌عسکری

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه‌آرایی: کاما

چاپ اول: بهار ۱۳۹۴

تعداد: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۲۴۵۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات: ۳۲۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰

ص.پ. ۳۷۱۸۵۳۶۵۱ ● تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

Website: www.rihu.ac.ir

Email: info@rihu.ac.ir

طرح «تاریخ جامع جنگ‌های صلیبی»
با پشتیبانی «صندوق حمایت از پژوهشگران کشور» انجام شده است.

مدیر طرح

ع.ن.ط

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب حاضر به عنوان منبع کمک‌درسی برای دانشجویان رشته‌های تاریخ و تمدن اسلامی، روابط بین‌الملل، تاریخ اسلام و ادیان و عرفان در مقطع کارشناسی ارشد و دکترا و نیز دیگر علاقه‌مندان به مطالعات اسلام و مسیحیت به‌ویژه در حوزه جنگ‌های صلیبی تهیه شده است. از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از مجری محترم طرح جناب آقای دکتر عبدالله ناصری طاهری و نیز پژوهشگران گرامی اثر آقایان دکتر عبدالله ناصری طاهری، فاطمه آتشی، لیلا اشرفی، لیلا خسروی، مهناز شعرباغچی‌زاده و دکتر سمیه‌سادات طباطبایی، تشکر و قدردانی کند. در این مجال فرصت را مغتنم شمرده از ارزیابان گرامی طرح «تاریخ جامع جنگ‌های صلیبی» آقایان دکتر محمدعلی چلونگر، دکتر منصور داداش‌نژاد، دکتر محمدرضا شهیدی‌پاک، دکتر مهرباب صادق‌نیا، دکتر ستار عودی و سرکار خانم دکتر فاطمه جان‌احمدی سپاسگزاری می‌شود.

فهرست مطالب

فصل چهارم: آثار و پیامدهای جنگ صلیبی / ۶۰۵

بخش اول: پیامدهای جنگ در جغرافیای اسلام ۶۰۷

بخش دوم: پیامدهای جنگ صلیبی در مغرب زمین ۶۲۱

ضمیمه‌ها / ۶۷۱

ضمیمه شماره ۱: در مورد تاریخ ویلیام صوری ۶۷۳

ضمیمه شماره ۲: آرامگاه مقدس و خاستگاه اولین جنگ صلیبی ۷۱۸

ضمیمه شماره ۳: سیمای اسلام در اروپای قرن وسط ۷۴۹

ضمیمه شماره ۴: سواران معبد و شوالیه‌های میهمان نواز ۸۵۸

ضمیمه شماره ۵: شرح حال فخرالدین یوسف جوینی ۸۷۹

ضمیمه شماره ۶: تاریخ دانشگاه‌ها در اروپا ۸۸۴

اطلس‌ها، تصویرها، جدول‌ها / ۹۴۷

گاهشمار جنگ‌های صلیبی ۱۰۲۳

فرهنگ‌نامه عمومی ۱۰۷۱

کتابنامه ۱۲۰۵

فارسی و عربی ۱۲۰۵

انگلیسی ۱۲۳۹

نمایه اعلام ۱۲۴۳

نمایه مکان‌ها ۱۲۸۱

فصل چهارم

آثار و پیامدهای جنگ صلیبی

بخش اول

پیامدهای جنگ در جغرافیای اسلام

در بررسی پیامدهای جنگ‌های صلیبی در دو حوزه شرق و غرب هر کسی بخشی از واقعیت را می‌بیند، به قول مایر: «یک فرد مادی می‌تواند بر عوامل بنیادین اقتصادی تأکید کند. جامعه‌شناس می‌تواند جنگ‌های صلیبی را به عنوان درجه اطمینان برای فشار روزافزون جمعیت در اروپای غربی تعبیر کند و بدین ترتیب، اصولاً آن را پدیده‌ای آماری به شمار آورد. کافر روشنفکر، احتمال دارد در مورد جنون سپری کردن دویست سال جنگ بر سر آنچه در تحلیل نهایی، تنها روزنه بیهوده در یک صخره به شمار می‌آید، سر خود را تکان دهد. خیال‌پرداز، ممکن است تصور کند که به دنیای پر رمز و راز شرقی کشانده شده، یا احتمالاً شجاعت غیر قابل بحث شوالیه‌ها را به خوبی تحسین نماید. انسان با شفقت، ناگزیر خواهد بود از خون‌های ریخته‌شده در بیت‌المقدس، قسطنطنیه و انطاکیه اظهار تأسف کند».^۱ چنان که مایر خود اساساً آثار جنگ را در جهان اسلامی نمی‌بیند و معتقد است جنگ‌های صلیبی هیچ‌گونه تأثیر بنیادی در جهان اسلام نداشته‌اند.^۲ هرچند پیامدها و نتایج سودمند جنگ‌های صلیبی برای اروپای مسیحی بیشتر بود تا خاورمیانه مسلمان، اما در جهان اسلام و به‌ویژه در مناطق شرقی مدیترانه کم اثر نگذاشت.

۱. ترکیب و تنوع جمعیتی در منطقه شام یکی از مهم‌ترین پیامدهای جنگ در مشرق‌زمین بود. فوشه شارتی که خود از شرکت‌کنندگان در حمله نخست است، در این‌باره از حضور فرانسویان، انگلیسی‌ها و ایتالیایی‌ها در کنار عرب‌ها، ترک‌ها، یونانی‌ها و حبشی‌ها سخن می‌گوید.^۳ ویلبراند^۴ نیز انطاکیه سال ۱۲۱۲م، را این‌گونه توصیف می‌کند: «... ساکنان آن

۱. مایر، جنگ‌های صلیبی، ص ۳۳۶.

۲. همان، ص ۳۳۴.

۳. قاسم، ماهیه الحروب الصلیبیه، ص ۲۰۰؛ شارتی، تاریخ الحمله الی القدس، ص ۱۳۶.

4. Wilbrand of Oldenbury

ثروتمندانی از فرنگی، سریانی، یونانی، یهود، ارمنی و مسلمان هستند.^۱ ثیتمار^۲ نیز که مدتی کوتاه بعد از ویلبراند از انطاکیه دیدار داشته همین نظر را تأیید می‌کند.^۳ یعقوب ویتیری و بورکهارت نیز به تنوع جمعیتی در شامات اشاره کرده‌اند.^۴

بنیامین تطیلی، جهانگرد مسیحی هم‌عصر جنگ صلیبی درباره بیت‌المقدس که در فاصله سال‌های ۵۶۱ تا ۵۶۹ق، آن را دیده، می‌نویسد: «در آن (بیت‌المقدس) تعداد زیادی از یعقوبیان، سریانی‌ها، ارامنه، یونانی و فرنگ بودند؛ شهری آمیخته از هر زبان و ملت».^۵

طبعاً اسکان مسیحیان دو پیامد داشت، یکی اینکه، عاملی در بقای صلیبی‌ها در دو سده جنگ بود؛ دو دیگر آنکه جنگجویان صلیبی به علت کمی تعداد زنان مسیحی مهاجر، با زنان مسیحی مقیم شامات ازدواج می‌کردند^۶ و این امر موجب اختلاط نژاد و افزایش جمعیت مسیحی در آن منطقه می‌شد. این آمیختگی نژادی پس از جنگ‌های صلیبی بیشتر شد، چون بیشتر مهاجران صلیبی غیر جنگجو، در شام و به‌ویژه در منطقه لبنان ماندگار شدند. از سوی دیگر سلاطین ممالیک بحری، شمار بسیاری از زنان و فرزندان صلیبی را به مسلمانان می‌فروختند.^۷ به قول ویل دورانت، دیری نگذشت که اولاد و تیره آنان بخش عظیمی از جمعیت مملکت را تشکیل می‌دادند.^۸ یکی از فرقه‌های مسیحی که بر اثر اسکان مهاجران تقویت شد مارونی‌ها بودند.

فرقه مارونی به مارون مقدس منسوب است.^۹ مارون مقدس^{۱۰} از مسیحیان اهل زهد بود که در شمال سوریه در ناحیه افامیه و در اواخر قرن چهارم میلادی متولد شد و در سال ۴۳۳م، از دنیا رفت و در منطقه‌ای میان افامیه و حمص دفن شد. یعقوب ویتیری شمار مارونی‌ها را زیاد می‌داند، بی‌آنکه عدد دقیقی از آنها ذکر کند.^{۱۱} ویلیام صوری تعداد مارونی‌ها را ۴۰ هزار تن برآورد می‌کند.^{۱۲} برخی محققان معاصر بیشتر و بعضی کمتر تخمین زده‌اند که به نظر می‌رسد با توجه به

۱. همان.

2. Thietmar

۴. همان.

۳. همان.

۵. تطیلی اندلسی، رحلة ابن یوننة الاندلسی الی بلاد الشرق الاسلامی، ص ۹۹.

۶. دورانت، تاریخ تمدن، ج ۴، ص ۷۹۸. ۷. مکی، لبنان من الفتح العربی الی الفتح العثماني، ص ۲۰۶.

۸. دورانت، تاریخ تمدن، ج ۴، ص ۷۹۸.

۹. او یک کشیش بود که در قرون چهارم و پنجم هجری در شمال غربی سوریه زندگی می‌کرد.

10. St. Maron

۱۱. ویتیری، تاریخ بیت‌المقدس، ص ۲۱.

۱۲. الدبس، الجامع المفصل فی تاریخ الموارنة الموصل، ص ۲۰۸.

ناآشنایی مردم آن روزگار با پدیده آمار و سرشماری، اساساً این اعداد قابل اعتماد نباشند، هرچند می‌دانیم که در روزگار صلیبی‌ها پیروان این فرقه جمعیت قابل توجهی بوده‌اند. آنها در اصل از انشعاب‌کنندگان از روم شرقی هستند که قبل از اسلام در مناطق شمالی سوریه ساکن بودند و در پی درگیری‌های فرقه‌ای در قرن ششم میلادی به شمال لبنان آمدند. در جنگ‌های صلیبی، مارونی‌ها از یاوران و همراهان صلیبی‌ها به شمار می‌آمدند.^۱ از آنجا که بیشتر صلیبی‌ها فرانسوی بودند، در سال ۶۴۸ق/۱۲۵۰م، پیمان دوستی میان مارونی‌ها و لوئی نهم منعقد شد و لوئی، در نامه‌ای خطاب به سراسقف مارونی‌ها نوشت: «ما متعهد می‌شویم همان حمایتی را که از فرانسوی‌ها به عمل می‌آوریم به مارونی‌ها مبذول داریم. مارونی‌ها جزئی از ملت فرانسه هستند».^۲

تاریخ‌پژوه معاصر یهودی در مورد این فرقه مسیحی می‌نویسد: «از میان طوایف متعدد مسیحی که در سرزمین مقدس و تحت حاکمیت صلیبی‌ها یافت می‌شدند، هیچ طایفه‌ای به اندازه مارونی‌ها به حاکمان نزدیک نبودند. این طایفه بیشتر به تکه‌ای از تاریخ شباهت داشتند که در دره‌ها و کوه‌های لبنان رسوب کرده باشند. افراد این گروه پیرو یکی از چندین عقاید بسیاری بودند که کلیسا را در قرن هفتم دچار تشتت و تفرقه نمود، کلیسا بدین عنوان که عقیده مذهبی این گروه، یک عقیده توحیدی است آن را محکوم کرد؛ زیرا جداشدگان از کلیسا، برای مسیح به یک طبیعت واحد که همان طبیعت الهی است معتقد بودند و پیروان آن در خلوتگاه‌های لبنان، دور از قسطنطنیه، برای خود پایگاه امنی را یافتند. جمعی از مردم لبنان این عقیده را اختیار کردند و جمعی دیگر مذهبی دیگر را دنبال نمودند. پس از پیروزی مسلمانان و جداسازی لبنان از بیزانس کشاورزان مسیحی در فینیقیه قدیم به این اعتقاد دینی گرایش یافتند. در سال ۱۱۸۴م، مسیحیان لبنان پیروی از اسقف روم را پذیرفتند. این امر در تاریخ لبنان حادثه بزرگی به شمار می‌آمد؛ اگرچه که در سرتاسر تاریخ کلیسا حادثه چندان مهمی نبود. به‌رغم دوران جدایی میان مسیحیان لبنان و مسیحیان اروپا، مسیحیان لبنان همچنان در ارتباط با روم باقی ماندند و لذا بیشتر از دیگر طوایف مسیحی شرق، در معرض تأثیرات اروپایی قرار داشتند و این امر تا روزگار کنونی همچنان پایدار و استوار است».^۳

۱. ناصری طاهری، علل و آثار جنگ‌های صلیبی، ص ۹۸.

۲. مکی، لبنان من الفتح العربی الی الفتح العثماني، ص ۲۰۷.

۳. براور، عالم الصلیبین، ص ۱۱۱.

در زمینه اصل و تاریخچه مارونی‌ها یکی از بهترین پژوهش‌ها متعلق به متی استحق موسی، موصلی‌الاصل مقیم آمریکا است که با پشتیبانی مؤسسه تحقیقات سریانی آمریکا^۱ انجام داده و افزون بر زبان انگلیسی، ترجمه عربی آن از سوی مؤلف عرضه شده است.^۲

همین تاریخ‌پژوه ناسیونالیست یهودی در مورد تغییر دموگرافی در بیت‌المقدس آورده است: «در قدس، همان‌جا که حاکمیت رژیم صلیبی در دورترین نقطه جنوب برپا شد، ترکیب نژادی عناصر عرب بیشتر از شمال تنوع یافت. جاذبیت اماکن مقدس به خوبی توانست تمایل طبیعی جوانان را برای استقرار در آنجا توازن بخشد. خاندان حاکم و هسته‌های اصلی ساکنان اروپایی از شمال شرق و وسط فرانسه آمدند. اما مهاجرت‌های بعدی از سوی پرووانسال‌ها و آنژولی‌ها انجام شد. خیابان‌های قدس در قرن دوازدهم، یا عکا در قرن سیزدهم، برای اروپای مهاجر یا خاور دور معاصر با جهانی است رنگارنگ همراه با اشکال گوناگونی از نژادهای مختلف. فرانسوی‌ها که عنصر غالب این ترکیبات نژادی را تشکیل می‌دادند، با جوانان دیگر ملیت‌ها که زبانی غیر از زبان فرانسوی داشته و در خیابان‌ها و محله‌های خاص خود می‌زیستند، ارتباط برقرار کردند. غالباً گرد کلیسایی که در میان مردم به قدیمی مشهور اختصاص داشت، بیش از چند خانه جمع نشده بود، و لذا اسپانیایی‌ها، پرووانسال‌ها، ایتالیایی‌ها، آلمانی‌ها، مجارها و انگلیسی‌ها برای خود مکان‌های خاصی در نظر گرفتند».^۳

قبل از شروع جنگ صلیبی اساساً در شام اعراب بیشترین بخش جغرافیای جمعیت را اشغال کرده بودند.^۴ تاریخ‌نگاران و جهانگردان صلیبی مسیحی که در روزگاران جنگ‌های صلیبی در این سرزمین حضور یافته‌اند، از تنوع و تغییر جمعیتی این سرزمین سخن گفته‌اند، از جمله فوشیه شارتری مورخ همراه جنگ اول^۵ و نیز یعقوب ویتری در تاریخ بیت‌المقدس و ویلبراند، بنیامین تطیلی و دیگران.^۶

زمینه دیگری که جایگزینی و اسکان مسیحیان در منطقه شام را در پی داشت، نقش جمهوری‌های سه‌گانه و نیز، پیزا و ژنوا در جنگ بود که در بخش تأثیر تجربه‌ها، از آنها خواهیم

1. The American Foundation for Syriac Studies

۲. موسی، الموارنة فی التاريخ، ص ۲۰۴.

۳. براور، عالم الصلیبین، ص ۱۲۲.

۴. رک: ابن اثیر، الکامل، ج ۹، ص ۵۳-۵۵؛ اسامة بن منقذ، الاعتبار، ص ۱۲-۱۴، مقدمه فیلیپ جتی، ص ج-ذ.

۵. شارتری، تاریخ الحملة الی القدس، ص ۱۳۶.

۶. در این باره رک: قاسم، ماهیة الحروب الصلیبیة، ص ۱۹۹-۲۰۵.

گفت. امتیازهای بازرگانی که از طرف سلاطین و امیران صلیبی به سه جمهوری یادشده اعطا شدند، سبب گردیدند تا بازرگانان ایتالیایی به سمت مشرق سرازیر شده و در مناطقی که به آنها اختصاص داده شده بود، ساکن شوند. به طوری که تامسون می‌نویسد: «این مناطق ایتالیایی‌نشین، دولتی بود در سرزمین بیگانه، مستقل در امور دولتی».^۱ مثلاً عکا یکی از مناطق یادشده بود که به قول ابن جبیر اندلسی «قاعده بلاد فرنگ در شام»^۲ محسوب می‌شد. همین جهانگرد مسلمان اندلسی تصویری از یک مراسم عروسی در شهر صور ارائه می‌دهد که بیانگر حضور گسترده مسیحیان در شامات و آزادی آنها در برپایی مراسم و آداب و رسومشان است: «از دیدنی‌های پرزرق و برق جهان که می‌توان از آن سخن گفت، مراسم عروسی‌ای بود که یک روز در بندر این شهر مشاهده کردیم. همه مسیحیان از زن و مرد، بدین مناسبت گرد آمده و بر در خانه عروس، از دو سوی صف بسته بودند و بانگ طبل و سُرنا و نی و دیگر آلات طرب برخاسته بود تا عروس را بین دو مرد که از چپ و راست او را همراهی می‌کردند و گویا از خویشاوندان نزدیک او بودند، در بهترین آرایش و فاخرترین جامه، آوردند. او دامان حریر خود را به رسم معهود جامه عروسان بر زمین می‌کشاند و بر سر دستاری زرین نهاده بود که با توری زربفت احاطه شده بود و بر سینه نیز توری همچنان آراسته افکنده بود و با این آرایش و پیرایش و زیب و زیور، گام به گام چون کبک می‌خرامید و جلوه می‌نمود و چون ابری گُندرو، راه می‌پیمود. پناه می‌بریم به خدا از فتنه مناظر دلفریب و زیبا. در برابر او جمعی از مردان مسیحی خاندانش با فاخرترین لباس‌های براق، دامن‌کشان می‌رفتند و در پشت عروس گروهی از یاران و اقران او، از زنان مسیحی که در نفیس‌ترین لباس‌ها و آراسته به زیباترین زیورها حرکت می‌کردند و آلات طرب را پیشاپیش همه می‌بردند. مسلمانان و دیگر مسیحیان تماشاگر در دو ردیف بر سر راه ایشان ایستاده بودند و به آنان می‌نگریستند و کسی مانع این درنگ و تماشا نبود. بدین ترتیب عروس را بردند و تا خانه شوهر رساندند و آن روز مهمانی ولیمه‌ای برپا کردند».^۳

۲. تداوم تشتت سیاسی و نبودن انسجام سیاسی در جهان اسلام که خود از زمینه‌های جنگ صلیبی بود، پس از اشغال بیت‌المقدس موجب شد نارضایتی و یأس عمومی شد. به ویژه پس از بی‌توجهی خلیفه بغداد و دولت سلجوقی به خواسته قاضی دمشق و همراهان، این انفعال و یأس اجتماعی شدت یافت. درست زمانی که زنان مسیحی صلیبی دوشادوش مردان خود

۱. زیتون، العلاقات الاقتصادية بين الشرق والغرب في العصور الوسطى، ص ۱۵۴.

۲. ابن جبیر، سفرنامه، ص ۲۴۹.

۳. همان، ص ۳۷۲.

می‌جنگیدند، عموم مسلمانان منفعل شده و به جای مقابله عملی با اشغالگران صلیبی با گریه و دعا و استغاثه خود را سرگرم می‌کردند.

قاضی فاضل عسقلانی (۲۵۲-۵۹۶ق/۱۱۳۰-۱۱۹۹م) کاتب صلاح‌الدین ایوبی به او چنین خطاب می‌کند: «مسلمانان فقط در دعوت تو را همراهی می‌کنند و مدعیان جهاد فقط در زبان با تو همراه‌اند. تو آنان را به راه خدا (جهاد) می‌خوانی و واجبی را از آنها طلب می‌کنی در حالی که پندارشان این است که برای خودت می‌خواهی و جهاد واجب مستحب است».^۱

عمادالدین کاتب اصفهانی نیز در یکی از رسائلش می‌نویسد: «عجب نیست اگر صلیبی‌ها پیروز شدند و مسلمانان نشسته و بی‌تحرك‌اند... هیچ‌فرنگی نیست مگر آنکه نسبت به از دست دادن شهرهای ساحلی تحت قلمروش احساس شکست دارد، ولی مسلمانان برخلاف آنها و به دور از غیرت و نیز حیران و سرگردان، غفلت پیشه کرده و بی‌تفاوت‌اند».^۲

یکی از مجاهدان مسلمان شامی دوستش را که از صحنه نبرد فرار کرده و در مسجد به عبادت پرداخته، این چنین سرزنش می‌کند:

يا عابد الحرمين لو ابصرتنا	لعلمت انك فى العبادۃ تلعب
من كان يتعب خيله فى باطل	فخيولنا يوم الكريهة تتعب
او كان يخضب خده بدعونه	فحورنا بدمائنا تتخضب
ريح العبير لكم و نحن عبيرنا	ريح السنايك والغبار الا شهب
و لقد اتانا عن مقال نبينا	قول صحيح صادق لا يكذب
لا يستوى و غبار خيل الله فى	انف امرئ و دخان نار تلهب ^۳

ای عبادت‌کننده دو حرم، اگر ژرف‌بنگری، می‌دانی که عبادت تو بازی‌ای بیش نیست. اگر کسانی هستند که اسبان‌شان در راه باطل خسته می‌شوند، اسبان ما در روز جنگ و سختی درمانده و خسته هستند. اگر گونه‌های خود را با اشکان چشمت تر می‌کنی، ما گردن‌های برافراشته‌مان را با خون خضاب می‌کنیم. بوی خوش از تو! ما با غبار سُم ستوران و اسبانمان، خود را خوشبو می‌کنیم (اما بدان) سخن پیامبر راست است که غبار اسب مجاهدان که بر بینی آنها می‌نشیند با آتش زبانه‌کش برابر نیست.

۱. ناصری طاهری، نقش اسماعیلیان در جنگ‌های صلیبی، ص ۱۴۴.

۲. ابوشامه، الروضتين فى اخبار الدولتين، ج ۲، ص ۱۶۶؛ اصفهانی، الفتح القسى فى الفتح القدسى، ص ۴۷.

۳. گیلانی، الحروب الصليبية و اثرها فى الادب العربى فى مصر والشام، ص ۴۴.

یکی از این قاعدین که به گوشه‌ای خزیده و وصف شراب و معشوق کرده و حتی از شعر خود برای ترغیب مسلمانان به جهاد استفاده نکرده، ابو حفص عمر بن علی معروف به ابن فارض (۵۷۶-۶۳۲ق) از شاعران بزرگ متصوفه و معروف به سلطان العاشقین است.^۱ یا فرد دیگری که می‌توان از او نام برد، ناصرالدین احمد بن منیر اسکندرانی، فقیه و قاضی اسکندریه (م ۸۳ق) است.^۲

این مسئله بی‌اعتنایی و سستی، عارضه دیگری در پی داشت و آن دل‌بستگی و گرایش مردم و عالمان به رؤیا و دیدن انبیا و اولیا در خواب بود. به طوری که افسردگی و نگرانی خود را که ناشی از اشغال شهرهای مسلمانان بود در عوض جنگیدن، با خواب و خیال تلطیف می‌کردند. و به قول قاسم عبده قاسم «این رؤیاها و خواب‌ها بیانگر آرزوهایی بود که در روح و جان مردم، در مقابل واقعیت تلخ زندگی‌شان به جوش و خروش درمی‌آمد. متعلمان به سخن گفتن درباره قیامت و نشانه‌های آن می‌پرداختند، و درباره بهشت و نعمت‌هایش بحث و گفتگو می‌کردند. تأثیر راه و روش درویش‌ها در فرهنگ جامعه افزایش یافت، خلق و خوی غم و اندوه و تسلیم شدن و اعتقاد به امور خارق‌العاده و معجزات و اعتقاد به دسته بزرگی از اخبار کرامت‌ها و خرافاتی که مورخان این دوره به عنوان حقایق تاریخی بیان می‌کردند، شیوع یافت».^۳

برای مثال، ابوالحسن هروی، جهانگرد معروف که دارایی و کتاب‌های خود را در شبیخون صلیبی‌ها از کف داده بود، در سفرنامه‌اش می‌نویسد: «در سال ۵۷۰ق، و در شهر مرزی عسقلان به مشهد ابراهیم وارد شدم. در آنجا در رؤیا پیامبر را در بین گروهی از مرد دیدم، بر او سلام کردم و دستش را بوسیدم و گفتم: ای پیامبر خدا، چه نیکو بود اگر این شهر مرزی در دست مسلمانان بود. فرمود: به زودی از آن مسلمانان و (فتح آن) عبرتی برای مردم خواهد شد. پس از بیداری آنچه را دیده بودم بر روی دیوار نوشتم و تاریخ گذاشتم. پس از آن بود که قدس و عسقلان در سال ۵۸۳ق فتح شدند».^۴

از سوی دیگر مطالعه در تاریخ و هنر و معماری منطقه مؤید این نکته است که در عصر ایوبیان و ممالیک، در مصر و شام بیشترین خانقاه‌ها، تکیه‌ها و زاویه‌ها ساخته شده‌اند.^۵ همچنین

۱. ر.ک: ابن فارض، دیوان ابن الفارض.

۲. علی عبدالحلیم محمود، الغزو الصلیبی و العالم الاسلامی، ص ۲۹۵.

۳. قاسم، ماهیه الحروب الصلیبیه، ص ۲۲۵ و ۲۲۶. ۴. هروی، الاشارات الی معرفة الزیارات، ص ۳۲.

۵. برای مثال در بیت المقدس، این گونه بناها در عصر ایوبی و ممالیک بسیار بیشتر از دیگر دوره‌ها هستند.

طریقت‌ها و فرقه‌های صوفیانه متعددی در این دوره شکل گرفتند. مانند فرقه احمدیه که سیداحمد بدوی (۵۹۶-۶۷۵ق/۱۱۹۹-۱۲۷۶م) در طنطنای مصر آن را وجود آورد.^۱ و فرقه شاذلیه که منسوب به ابوالحسن شاذلی (م ۶۵۶ق/۱۲۵۹م) است و ابومدین تلمسانی (م ۵۹۳ق/۱۱۹۷م) آن را تأسیس کرد و فرقه قادریه که عبدالقادر گیلانی (م ۵۶۱ق/۱۱۶۶م) آن را در بغداد شکل داد و نیز فرقه مولویه در آسیای صغیر در قرن هفتم هجری.^۲

تأکید بر این نکته شایسته است که تصوف هرچند قدمت داشته است، اما پیشروی و تکامل آن در مناطق شرق مدیترانه نتیجه جنگ‌های صلیبی بود. این جریان منفی، خود منشأ حرکت ضد تصوفی بود که امثال ابن تیمیه آن را رهبری می‌کردند. این نکته که جریان یا گفتمان تصوف نسبت به هجوم مسیحیان به سرزمین اسلامی چه موضعی داشته، هنوز قابل مناقشه است. برای مثال، ملا محمد عابد الجابری معتقد است جریان تصوف در برابر صلیبی‌ها و مسیحیان اندلس موضع بی‌طرفی گرفت.^۳ از سوی دیگر، عبدالمجید الصغیر معتقد است این‌گونه نیست و ابوالحسن شاذلی علیه حمله صلیبی‌ها به مصر در ۶۴۸ق، شرکت جست.^۴

در زمینه شعر نیز «نبویات» شکل گرفتند، قصایدی طولانی که در پی معرفی جدید، یعنی دادرسی از رسول خدا، و توسل به او در رفع رنج‌ها و سختی‌ها، نوشته شد.^۵ این پدیده همچنین در ادبیات داستانی عمومی هم تجلی یافت. داستان‌سرایان در محافل و انجمن‌های خود آنها را به گوش مردم می‌رساندند و آنان را به وجد و طرب می‌افکندند؛ زیرا این حکایات در مدح و ستایش خود از حوادث و شخصیت‌ها، یک عنصر جایگزین و جبران‌کننده را با خود داشتند که جای واقعیت ناامیدکننده آنان را می‌گرفت و برایشان امید و آرزو مهیا ساخته و به جای آن از ظلم و ستم انتقام می‌گرفت.^۶ ورود کلمات بیگانه در متون عربی از آثار مهم جنگ‌های صلیبی است. نویسندگان مسلمان بر اثر برخورد صلیبی‌ها، برخی کلمات بیگانه و فرنگی را در متون خود وارد کردند. مثلاً ابن‌شداد،

۱. هامیلتون گیپ نقل می‌کند سیداحمد بدوی رهبر فرقه احمدیه که از مریدان رفاعی بود در جنگ صلیبی منصوره که از جانب لوئی نهم پادشاه فرانسه آغاز شده بود، شرکت کرد (هامیلتون، اسلام و بررسی تاریخی، ص ۱۷۷). نگارنده با مراجعه به منابع چنین موضوعی را نیافت و معلوم نیست گیپ با استناد به کدام منبع این نظر را ارائه کرده است.

۲. گیلانی، تاریخ فلسفه در جهان اسلامی، ج ۱، ص ۳۰۰.

۳. جابری، تکوین العقل العربی، ص ۳۲۴ و ۳۲۵. ۴. صغیر، تجلیات الفكر العربی، ص ۱۷۳.

۵. گیلانی، الحروب الصلیبیه و اثرها فی الادب العربی، ص ۲۳۷-۲۴۴.

۶. قاسم، ماهیه الحروب الصلیبیه، ص ۲۲۶.

وقتی از صلح میان صلاح‌الدین و صلیبی‌ها سخن می‌گوئید، زمانی که دشمن شهر عکا را محاصره نمود و موافقت کرد در مقابل پرداخت فدیه مسلمانان از شهر خارج شوند؛ با این عبارت: «تدفع فی تروم ثلاثة، کل ترم، شهر»^۱ کلمه ترم را که لاتینی است به معنای ماه گرفته و آورده است. مقریزی نیز چندین بار مکرر کلمه لاتینی «قومص» را به کار برده است.^۲ همو در جای دیگر واژه «افرنس» به معنای فرانسه را ثبت کرده است.^۳ نویری واژه «واسال» را با املائی فصل، به کار گرفته،^۴ و ابن‌اثیر در کتاب خود، ذیل حوادث سال ۵۲۳ق، وقتی در مورد محاصره دمشق از سوی صلیبی‌ها سخن می‌گوید، جمع لفظ «قومص» را استفاده کرده و می‌نویسد: «... و غیرهم من الفرنج و قمامصتهم...»^۵ ابن‌تغری بردی از واژه «سیر» به معنای آقا و سید استفاده کرده است.^۶

پس از جنگ اول صلیبی طعن مسیحیان و یهودیان و نیز استغاثه و مدح، از مضمون‌هایی بود که بیشتر در شعر عربی وارد شدند.^۷ همچنین فن خطابه و ترسل پیشرفت قابل ملاحظه‌ای داشتند و حدیث‌نگاری جهاد مانند آنچه در کتاب الترغیب والترهیب، تألیف زکی‌الدین بن عبدالقوی منذری آمده، مورد توجه قرار گرفت.^۸

یکی دیگر از پیامدهای جنگ صلیبی در حوزه ادبیات، گسترش ادبیات فضیلت‌نویسی بوده است. در میان شهرهای شام و مصر، بیت‌المقدس بیشترین سهم را در ادبیات فضیلت‌نویسی دارند، بعد از آنکه این شهر از سوی صلیبی‌ها اشغال شد با توجه به قداست آن نزد مسلمانان، بسیاری از نویسندگان و عالمان درباره فضیلت بیت‌المقدس نوشتند تا امیران و مردم را به آزادسازی آن تحریک و ترغیب کنند. هرچند توجه به این ادبیات در فاصله قرن پنجم تا هشتم هجری بیشتر بود، اما چند قرن بعد از جنگ صلیبی نیز این روند ادامه داشت. کتاب‌هایی که قبل از جنگ صلیبی درباره فضیلت بیت‌المقدس نوشته شده‌اند، به مراتب کمتر از کتاب‌هایی هستند

۱. ابن‌شداد، النوادر السلطانية والمحاسن اليوسفية، ص ۱۷۲.

۲. مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوک، ج ۱، ص ۹۲.

۳. سعداوی، المورخون المعاصرون لصلاح‌الدین الایوبی، ص ۶۳.

۴. ابن‌اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۶، ص ۶۱۷.

۵. گیلانی، الحروب الصلیبية و اثرها فی الادب العربی فی مصر والشام، ص ۲۷۳.

۶. همان، ص ۶۲.

۷. ابن‌تغری بردی، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر والقاهرة، ج ۷، ص ۳۲.

۸. نقل از: ناصری طاهری، نقش اسماعیلیان در جنگ‌های صلیبی، ص ۱۵۰.

که پس از جنگ اول نگاشته شده‌اند. این در صورتی است که در ادبیات اسلامی، اصولاً فضیلت‌نگاری شهرها در قرن‌های اول هجرت بیشتر مورد توجه بوده است.^۱

۳. فساد و فحشا به خصوص از ناحیه سربازان که از نژادهای مختلف بودند، از پیامدهای منفی جنگ صلیبی بود. زیرا مسلمانان به علت درگیری‌ها و جنگ‌های طولانی قادر به تشکیل خانواده نبودند و از سوی دیگر زنان هرزه (بنات اللیل)، نوازنده (مطربات) و خواننده (مقرنات) فساد و به تعبیر مورخان عرب «دعاره» را افزایش می‌دادند. این هرزگی‌ها به حدی بودند که دولت ممالیک مسئولی برای نظارت و کنترل و نیز دریافت مالیات از زنان هرزه در نظر گرفته بود.^۲ حتی در عصر ممالیک و در اواخر جنگ صلیبی سخن از گرایش همجنس‌بازی مردان رفته است.^۳

۴. در روزگار جنگ صلیبی مانند هر جنگ دیگر، تاجران غنی‌تر و مردم عادی فقیرتر شدند. عبداللطیف بغدادی به ثروتمند شدن بعضی بر اثر تجارت گندم یا کسب ارث و یا راه‌های دیگر اشاره می‌کند و می‌نویسد: «مایه تعجب است که گروهی از مردم در این سال بخت و اقبال به سراغشان آمد. بخشی از آنها از راه تجارت گندم، بخشی از ارثی که به آن رسیدند و تعدادی نیز از راه‌های غیر متعارف ثروتمند شدند».^۴

کارکنان دولتی نیز که مأمور جمع‌آوری مالیات‌ها و غلات بودند، بسیاری از اموال مردم را می‌ربودند. عمر بن سعید بوصیری شاعر قرن هفتم در عمین ارتباط سروده است:

فکم سرقوا الغلال و ما عرفنا بهم فکانما سرقوا العیونا
و لولا ذاک ما لبسوا حریرا ولا شربوا خمور الاندرینا

چه بسا غلات را سرقت کردند و ندانستیم آیا چشمان ما را دزدیده بودند [که ما متوجه نشدیم].
اگر سرقت آنها نبود نمی‌توانستند لباس حریر بپوشند و شراب ناب نایاب بنوشند.^۵

از طرفی دیگر گرسنگی و تورم نیز آن قدر بود که گروهی از مردم حتی از کسب لقمه نانی عاجز بودند، به طوری که وقتی به صلاح‌الدین پیشنهاد صلح و آتش‌بس با پادشاه انگلیس داده شد و او

۱. همان.

۲. گیلانی، اثر الحروب الصلیبیه فی العالم العربی، ص ۴۴.

۳. مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوک، ج ۲، ص ۶۶۱؛ همو، خطط، ج ۲، ص ۳۴ و ۱۶۹؛ گیلانی، همان، ص ۳۴-۵۱؛ قاسم، ماهیه الحروب الصلیبیه، ص ۲۱۰، برای موضع‌گیری در این مورد رک: ابن قیم جوزیه، اغاثة

المهفان فی مصادد الشیطان، ص ۲۹۷. ۴. بغدادی، الافادة والاعتبار، ص ۶۸.

۵. گیلانی، الحروب الصلیبیه و اثرها فی الادب العربی، ص ۵۴.

با فرماندهان مشورت کرد، همه بر مصالحه تأکید کردند و به صلاح‌الدین گفتند: «به اوضاع شهرها نگاه کن، ویران و پریشان، مردم به ستوه آمده و درمانده، سپاهیان خسته و ناخوش...»^۱ منطقه شام از قدیمی‌ترین دوران، نقش روشنی در بازرگانی بین‌المللی داشته است. این نقش در زمان جنگ‌های صلیبی و با توجه به انگیزه‌های اقتصادی و تجارب غرب به خصوص جمهوری‌های سه‌گانه ایتالیایی بارزتر شد، به طوری که در بسیاری از شهرها و بندرهای شرق مدیترانه بازرگانان اروپایی مستقر شدند. در عصر ممالیک و پایان جنگ‌های صلیبی برخی شرکت‌های اروپایی در شام نمایندگی داشتند. مانند شرکت فلورانسی باردی^۲ که در بیت‌المقدس شعبه داشت.^۳

البته باید توجه داشت در حین و پس از جنگ‌های صلیبی هرچند تجارت در بعضی از مناطق رونق پیدا کرد، ولی کشاورزی در بخشی از جغرافیای جنگ صلیبی آسیب دید. بعضی از شهرها در مسیر تجارت قرار گرفته و رشد یافتند، مانند دو شهر بندری قوص و عیذاب در دریای سرخ که به علت تغییر مسیر حاجیان اندلس از رود نیل تا دریای سرخ و جزیره‌العرب پرمشتری شده بود.^۴ تردید نباید کرد که در زمینه بازرگانی و تجارت بیشترین بهره را صلیبی‌ها و خصوصاً جمهوری‌های سه‌گانه ایتالیا یعنی ونیز، پیزا و ژنوا بردند و ما در ادامه و به وقت سخن از پیامدهای جنگ در مغرب‌زمین، به آن اشاره خواهیم کرد.

هرچند جهانگردی مثل ابن جبیر از شکوفایی تجارت داخلی و کشاورزی سخن می‌گوید و اشاره می‌کند: «آنان همراه با اروپایی‌ها در رفاه به سر می‌بردند. زیرا نصف غلات را به عنوان مالیات می‌پردازند، و جزیه هر رأس دام یک دینار و پنج قیراط است، آنها برای میوه درختان نیز مالیاتی بر عهده دارند که می‌پردازند، خانه‌هایشان در اختیار خود آنهاست و در همه اوضاع و احوالشان آزادند. در تمام شهرهای ساحلی شام که در دست اروپایی‌ها است وضعیت به همین منوال است، روستاها و مزارع همگی برای مسلمانان است».^۵

۱. هرفی، شعر الجهاد فی الحروب الصلیبیه فی بلاد الشام، ص ۶۴.

2. Bardi

۳. غوانمه، «التجارة الدولية فی مناطق شرق الادنی فی العصر المملوکی»، مجله الدراسات التاريخية، ص ۷، ش ۲۳ و ۲۴، ص ۸۶.

۴. ناصری طاهری، علل و آثار جنگ‌های صلیبی، ص ۱۰۳؛ گروسه، تاریخ جنگ‌های صلیبی، ص ۶۹.

۵. ابن جبیر، رحله، ص ۲۷۳-۲۷۵.

قاسم عبده قاسم این گزارش ابن جبیر را تفسیر و تحلیل کرده، چنین می‌گوید: «می‌توان از میان این سطور آنچه را که ابن جبیر ناگفته گذاشته استنتاج نمود که البته منابع دیگر تاریخی نیز بر آن مهر تأیید می‌زنند. و آن عبارت از این است که اقطاع نظامی، که براساس زمین زراعی استوار بود، با اوضاع و احوال کشاورزان تا سطحی بسیار پایین‌تر از گذشته تنزل یافت. در مناطق صلیبی کشاورزان به گونه‌ای عام با زمین ارتباط داشتند، اما ملزم به پرداخت برخی مالیات‌ها بودند. کشاورزان در تبیین با رفتاری بسیار بهتر از آنچه که ابن جبیر یاد کرده است روبه‌رو شدند و سبب آن به عقیده ما به این حقیقت بازمی‌گردد که آنها همگی مسلمان بودند و صلیبی‌ها به خاطر کمبود نیروهای انسانی خود در این منطقه به نیروی کار نیاز داشتند. باید در نظر داشت که اوضاع و احوال همه کشاورزان مسلمان در مناطق صلیبی یکسان نبود و در دیگر مناطق صلیبی، بیشتر شبیه به زندانیان شباهت داشتند. اما این بدان معنا نیست که اوضاع و احوال آنان در سایه اقطاع نظامی در مناطق اسلامی بهتر بوده است. متنی از ابوشامه در دست داریم که حاکی از حکایت مهمی است، او می‌نویسد در حوادث سال ۵۴۵ق، اروپاییان در نواحی حوران فتنه و فساد برانگیختند، لذا نورالدین تصمیم گرفت به نبرد با آنان برخیزد، ... «او با این حال دست یارانش را از تبه‌کاری در مزارع کوتاه نمود و فرمان داد که نسبت به کشاورزان با حسن نیت و نرمی رفتار شود...» این متن روشن می‌کند که کشاورزان زیر بار سنگینی به سر می‌بردند؛ چرا که نورالدین محمود از فرمانروایان خواست نسبت به آنان سخت‌گیرند و حسن نیت داشته باشند. به عقیده ما اگر در آن زمان، اوضاع و احوال آن‌گونه نبود چنین فرمانی از نورالدین صادر نمی‌شد. به هر حال، دلایل فراوانی وجود دارد که بر بدی اوضاع و احوال کشاورزان در آن روزگار دلالت دارد»^۱.

به‌رغم رونق موقتی که زراعت در قرن ششم هجری/دوازدهم میلادی، در برخی مناطق شرق مدیترانه شاهد آن بود، اما پیامدهای منفی جنگ‌های صلیبی در مصر و شام برای تولیدات کشاورزی مصیبتی به شمار می‌آمد. عملیات نظامی از هر دو جناح باعث خرابی و ویرانی مناطق بسیاری شد. ابن جبیر چنین یاد می‌کند که راه حمص به دمشق خراب بود «... جز در سه یا چهار جا راه درست نبود...»^۲. کشاورزی در مناطق بسیاری نابود شد، به‌طوری که کشاورزان مجبور شدند به شهرها روی آورند تا از طریق کار در مشاغل شهری، نانی برای خوردن پیدا کنند و

۱. قاسم، ماهیه الحروب الصلیبیه، ص ۲۱۲ و ۲۱۳. ۲. ابن جبیر، رحله، ص ۲۳۳.

همچنین در داخل آن شهرها از شر دشمن در امان باشند.^۱ مورخان صلیبی مثل فوشیه شارتری، ویلیام صوری و یعقوب ویتیری از غارت مزارع و روستاها طی پیشروی سپاهیان دو طرف گزارش‌هایی ارائه می‌دهند.^۲ همه این امور به ویرانی و سقوط تولیدات کشاورزی انجامید. از نیمه قرن ششم تا روزگار سلطان ظاهر بیبرس بندقداری (۶۵۸-۶۷۶ق/۱۲۶۰-۱۲۷۷م) سرزمین‌های شرق مدیترانه، به‌ویژه شام، به خاطر کمبود تولیدات کشاورزی اوقات سختی را می‌گذرانند و مناطق زیادی چندین بار در معرض خطر گرسنگی قرار گرفتند. اقدامات امنیتی بزرگی که بیبرس انجام داد در بازگشت ثبات و استقرار و نیز افزایش تولیدات زراعی در مناطق مرزی شام و فرات، اثر فعال داشت.^۳

شاید بتوان مهم‌ترین دستاورد دولت‌های اسلامی حاکم بر جغرافیای جنگ را توسعه روابط تجاری و بازرگانی دولت ممالیک با دولت‌هایی اروپایی، مثل جمهوری‌های سه‌گانه تجاری ایتالیا — ونیز، پیزا و ژنوا — و دولت‌های مسیحی کاستیل (قشتاله) و آراگون (ارغوان) نام برد. به‌رغم تحریم پاپ بزرگ و صدور فتوای منع تجارت مغرب‌زمین با دولت ظفریافته بر صلیبی‌ها، یعنی ممالیک، نه جمهوری‌های سه‌گانه وقتی گذاشتند و نه دولت آراگون.^۴ همین دولت مسیحی آراگون در سال ۱۲۸۹م، با ممالیک مصر پیمان اقتصادی بست،^۵ زیرا به علت نیاز اروپا به ادویه شرق و بحران منازعات مغول در ایران و عراق و بسته شدن مسیر تجاری بغداد به شرق و سواحل مدیترانه، راه دیگری جز سواحل مصر و شام و حوزه ممالیک نبود.^۶ حتی پس از سقوط عکا، به عنوان آخرین سنگر مهم صلیبی در مشرق، در سال ۱۲۹۱ق/۱۲۹۱م، دولت مسیحی آراگون از ملک اشراف خلیل تمديد موافقت‌نامه و صلح‌نامه تجاری سال ۱۲۸۹م تقاضا کرد.^۷ نکته جالب این است که پادشاه پرتغال که شوهرخواهر پادشاه آراگون بود و شاه کاستیل هم به این پیمان پیوستند.^۸ این روند تجارتي تا سال ۱۳۴۱ق/۱۳۴۱م ادامه داشت.

۱. قاسم، ماهیه الحروب الصلیبیه، ص ۲۱۲.

۲. شارتری، تاریخ الحملة الی القدس، ص ۱۲۶؛ صوری، الاعمال...، ج ۱، ص ۴۲۹؛ ویتیری، تاریخ بیت المقدس،

ص ۲۱، ۲۲، ۵۶ و ۵۷. ۳. قاسم، ماهیه الحروب الصلیبیه، ص ۲۱۳.

۴. نشار، علاقه مملکتی قشتاله و اراجون بسلطنته ممالیک، ص ۹۵ و ۹۶.

۵. همان، ص ۹۸ و ۱۰۱. ۶. عاشور، الحركة الصلیبیه، ج ۲، ص ۱۱۴۱.

۷. این موافقت‌نامه را ابن عبدالظاهر نقل کرده است (ر.ک: ابن عبدالظاهر، تشریف الایام والعصور فی سیره الملک المنصور، ص ۱۶۲).

۸. نشار، علاقه مملکتی قشتاله و اراجون بسلطنته ممالیک، ص ۱۱۸.

۷-۱. با توجه به خشونت رفتار صلیبی‌ها در مسیر حرکت خود به سرزمین مقدس با یهودیان ساکن رودخانه راین بدیهی است که یهودیان به عنوان یک اقلیت مذهبی که از قدیم در فلسطین زندگی می‌کردند و هنگام سیطره مسلمانان بر آنجا هیچ تنگنایی را ندیده‌اند، پس از آزادسازی بخش‌هایی بزرگ از فلسطین و به‌ویژه بیت‌المقدس از سوی صلاح‌الدین ایوبی، به این سرزمین توجه کنند. و همان‌گونه که هانس مایر گفته است از ابتدای قرن سیزدهم میلادی، حرکت رو به رشدی برای بازگشت یهود به‌ویژه از فرانسه به فلسطین شکل گرفت.^۱ مایر اضافه می‌کند که پیش‌از این حرکت یک خاخام اسپانیولی به نام «ناکمانید»^۲ که در سال ۱۲۶۷م، ساکن بیت‌المقدس است که بر اثر برداشت خود از اسفار پنج‌گانه معتقد بود سکونت دائمی در فلسطین که جایگاه اختصاصی یهودیان است امری واجب است.^۳ این روند ادامه یافت به‌گونه‌ای که به قول آرمسترانگ^۴ زمینه تقسیم منازعات امروز خاورمیانه شد.^۵ البته باید توجه کرد که در روزگار حاکمیت صلیبی‌ها، تعداد یهود چندان گسترده نیست. در این مورد گزارش جهانگرد یهودی بنیامین تودلایی (تطیلی) قابل قبول است؛ حدود دویست یهودی در شهر بیت‌المقدس که در محله مجاور برج داوود زندگی می‌کنند.^۶ گزارش‌های این جهانگرد یهودی اسپانیایی حکایت از کم بودن جمعیت یهودی در فلسطین در روزگار صلیبی‌ها دارد. اما پاتاخیا راتیسبون^۷ جهانگرد دیگر یهودی که بیش از یک سده پس از بنیامین تودلایی (تطیلی) بیت‌المقدس را زیارت کرده معتقد است فقط یک یهودی به نام آبراهام رنکرز در آن شهر ساکن است.^۸ آنچه مسلم است با آزادسازی قدس از سوی صلاح‌الدین ایوبی و پس از آن ادامه سلطه ایوبی‌ها بر بخش‌هایی از فلسطین و بیت‌المقدس و نیز در عصر حاکمیت ممالیک تعداد یهودیان در سرزمین مقدس رو به فزون گذاشت و این نتیجه سیاست مداراجویانه امیران مسلمان با اهل ذمه بود.^۹

۱. مایر، جنگ‌های صلیبی، ص ۱۸۶.

2. Nachmanides

۳. همان.

4. Karen Armestrang

۵. آرمسترانگ، الحرب المقدسه، ص ۱۷ و ۱۸. ۶. تطیلی، رحلة بنیامین التطیلی، ص ۲۴۸.

7. Patachia Ratisbon

۸. زبیده محمدعطا، اليهود فی العالم العربی، ص ۲۹۵.

۹. در این زمینه گزارش‌های ساموئل بن ساسون (سلیمان بن شمعون) که در ۶۰۷ق/۱۲۱۰م، فلسطین را دیده مورد توجه است. کتاب گاهشمار او به نام *Chronicle Of Solomon Simson* است.

بخش دوم

پیامدهای جنگ صلیبی در مغرب زمین

در بررسی پیامدها و آثار جنگ صلیبی در اروپا، بیش از هر چیز باید به این نکته توجه کرد که مورخان، جامعه‌شناسان و عالمان دینی مسیحی در مغرب زمین با دوگانه‌نگری به این نتایج و دستاوردها، این بخش از جنگ‌های صلیبی را تحلیل کرده‌اند. کسانی مانند هانس مایر اساساً سهم قابل توجه و معناداری از این رهگذر برای اروپا قائل نیست و معتقد است زیان‌های جنگ بیش از امتیازهای آن بوده و تلفات انسانی آن به‌هیچ‌رو تناسبی با دستاوردها ندارند.^۱ استیون رانسیمان هم بر این باور است که خاک صلیبی یا همان شرق مدیترانه از نظر علمی و فرهنگی چیزی به غرب نداد و هیچ بخشی از آنچه ما به نام رنسانس یا ترقی و توسعه می‌شناسیم، زاییده جنبش صلیب نیست و آنچه از تمدن اسلامی به غرب رسیده از گذرگاه اندلس و سیسیل بوده است.^۲ «این جنبش‌ها چیزی جز تعصبی طولانی به نام خداوند، که همانا خود گناهی علیه روح القدس بوده است، نبود».^۳

برنارد لوئیس هم بسیاری از پیامدها و نتایج جنگ‌های صلیبی را ناپایدار می‌داند و معتقد است تنها آثار ماندگار این جنگ‌ها یکی بدتر شدن وضع زمین در جوامع اسلامی است و دیگری تغییر روابط مسلمانان با اروپای مسیحی.^۴ همین نگاه مشابه را کلود کاهن فرانسوی دارد.^۵ جان جوزف، مورخ انگلیسی نیز قبول دارد که نتایج جنگ صلیبی، بیشتر افزایش یافتن

۱. مایر، جنگ‌های صلیبی، ص ۲۱۵ و ۳۳۷.

۲. رانسیمان، تاریخ جنگ‌های صلیبی، ج ۳، ص ۵۵۴-۵۵۶.

۳. همان، ص ۵۶۶.

4. *Politics and War* در *The Legacy of Islam*, p.190.

۵. ر.ک: کلود کاهن، الشرق والغرب زمن الحروب الصلیبیه، ص ۱۷-۲۲.

بدینی میان مسلمانان و مسیحیان بوده است.^۱ ژاک لوگوف، مورخ معاصر فرانسوی، ضمن آنکه خود به دستاوردهای جدی مغرب‌زمین از جنگ صلیبی اعتقادی ندارد،^۲ بر رویکرد جین فلوری^۳ و تناقض‌بینی او نسبت به جنگ‌های صلیبی تأکید می‌کند و می‌گوید:

اولین تناقض: جنگ‌های صلیبی از سوی نصرانیان و به نام دینی که اساساً ادعای صلح‌جویی دارد، علیه مسلمین و پیروان دینی به راه انداخته می‌شود و گرچه جهاد در آن، از همان ابتدا یکی از اصول دین به شمار می‌رود، ولی در مناطق تصرف شده، با بردباری واقعاً گسترده‌ای رفتار می‌نماید؛

دومین تناقض: جنگ‌های صلیبی حاصل نهضت فتح مجدد به غایت گسترده‌ای است که از اسپانیا آغاز می‌شود، قالب یک جنگ مقدس به خود می‌پذیرد و هنگامی که اورشلیم و قبر مقدس هدف بازپس‌گیری قرار می‌گیرد بر توش و توانش افزوده می‌شود. اما گرچه نهضت فتح مجدد در حوزه مغرب‌زمین به توفیق کامل دست می‌یابد، اما در غرب آسیا ناکام می‌ماند و متعاقباً موجبات حملات متقابل مسلمانان را فراهم می‌سازد، آنگاه که قسطنطنیه در سال ۱۴۵۳م، به تصرف مسلمانان درمی‌آید و متعاقباً مناطق شرقی قاره اروپا از سوی امپراتوری عثمانی مورد تهدید و تهاجم قرار می‌گیرد؛

سومین تناقض: قاعدتاً جنگ صلیبی باید به مسیحیان مشرق‌زمین در چارچوب یک کلیت مسیحی مدد می‌رساند و امپراتوری بیزانس را در بازپس‌گیری مناطق از دست رفته‌اش از مسلمانان مورد حمایت قرار می‌داد، ولی این جنگ‌ها انشقاق و دوگانگی جهان مسیحی را تشدید کرد و به آن قطعیت بخشید،

چهارمین تناقض: جنگ صلیبی که پاپ اوربان دوم به برپایی آن فراخوان داده بود، نمایانگر جنگ آزادی فلسطین و گشودن راه زیارت قبرهای مقدس بود. اما این جنگ تغییر جهت و ماهیت داد و در خدمت نبردهای بی‌شمار کلیسایی و بیشتر در خدمت اغراض دستگاه پاپی قرار گرفت. جنگ یادشده تنها علیه دشمنان خارجی حکومت پاپ به راه نیفتاد، بلکه علیه مدعیان داخلی دستگاه مزبور و در وهله اول، علیه بدعتگذاران، نفاق‌افکنان و دیگر رقبای سیاسی نیز وارد عمل شد.^۴

فراتر و غیر عملی‌تر و غیر منصفانه‌تر از این، آرای انکارکننده دستاوردهای سودمند جنگ صلیبی، دیدگاهی است که همه توسعه‌یافتگی اروپای امروز را در ذات و تاریخ کلیسا و مسیحیت می‌داند و اساساً برگرفتگی از دیگر ادیان و ملل — مثل اسلام — را منکر می‌شود؛ مانند

1. *Muslim-Christian Relation*, p.15.

۲. لوگوف، اروپا مولود قرون وسطا، ص ۱۸۹.

3. Jean Flori

۴. لوگوف، اروپا مولود قرون وسطا، ص ۱۹۰.

ماکس وبر،^۱ لین وایت^۲ تاریخ‌دان معاصر آمریکایی، مایکل مان،^۳ اقلیم‌شناس برجسته آمریکایی، جان هال^۴ جامعه‌شناس، مک‌گیل و دیوید لندز^۵ اقتصاددان آمریکایی که مهم‌ترین کتابش — ثروت و فقر ملل — به فارسی ترجمه شده است. اینها مورخانی بودند که زمینه‌ها و عوامل رنسانس و توسعه‌یافتگی غرب را از ملل شرق، به‌ویژه از مسلمانان نادیده گرفته‌اند.

همین اقتصاددان آمریکایی — دیوید لندز — معتقد است هزاران سال است که اروپایی‌ها خلاق‌ترین مردم روی زمین بوده‌اند.^۶ ما در همین کتاب با سیمای علمی فرهنگی مغرب‌زمین در قرون وسطا آشنا می‌شویم. گزارش‌های ویل دورانت و اسامه بن منقذ، واقعیت این خلاقیت! را تصویر می‌کنند.

اریک جونز^۷ در کتاب معروفش معجزه اروپایی^۸ باور دارد که نوآوری، خلاقیت و... از زمان‌های قدیم در اروپا بوده‌اند.^۹ سخن لین وایت از پرمحصولی و سرشاری غرب از محصولات متنوع در قرون وسطا، گفته جان هال از انسجام ساختاری حکومت و دولت در اروپای قرون میانه^{۱۰} و نگاه توهم‌آمیز مایکل مان به پیشرفت و توسعه اروپا^{۱۱} همه ناشی از بی‌توجهی به وامداری فرهنگ و دانش غربی از رهگذر جنگ‌های صلیبی، اندلس و سیسیل هستند.

در مقابل این دو دیدگاه تا حدودی نزدیک به هم، انکار تأثیرپذیری تمدن غربی از مسلمانان پس از جنگ صلیبی یا برخورداری مغرب‌زمین از همه دستاوردهای خودآفریده در قرون وسطا، دیدگاه دیگری منصفانه وامداری غرب از جهان اسلام را تکرار می‌کند. به این گزاره‌ها توجه کنیم:

— توین بی. می‌گوید:^{۱۲} از نظر اقتصادی و فرهنگی، جهان اسلام بر فاتحان نیمه‌وحشی خود غالب شد و تمدن و هنر پیشرفته خود را بر زندگی ساده دهقانی اروپای لاتین تحمیل نمود.^{۱۳}

— پی‌یر روسو می‌گوید: مسلمانان بهترین اکتشافات کشورهای دست‌نشانده را جمع‌آوری کرده و به اروپاییان انتقال دادند.^{۱۴}

1. Max Weber

2. Lynn White

3. Micheal Mann

4. John A. Hall

5. David Lands

۶. رک: لندز، ثروت و فقر ملل، ص ۶۳-۸۰ و نیز رک: بلاوت، هشت تاریخ‌دان اروپامحور، فصل نهم، ص ۲۷۳-۳۰۷.

7. Eric L. Jones

8. *The Eurorpean Miracle* (1981)

۹. بلاوت، هشت تاریخ‌دان اروپامحور، ص ۱۵۳ و ۱۵۶.

۱۰. همان، ص ۹۱. ۱۱. همان، ص ۲۳۶.

12. Arnold Toynbee

۱۳. موثقی، استراتژی وحدت در جهان اسلام، ج ۱، ص ۱۷۷.

۱۴. حائری، نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، ص ۱۲۹.

- هاسکینز: ^۱ نیرومندترین تکاپوهای علمی و فلسفی آغازین روزگار سده‌های میانه... در سرزمین‌های متعلق به پیامبر اسلام وجود داشت. ^۲

- الکساندر ون هامبولت: اعراب و مسلمانان در زمره نجات‌دهندگان فرهنگ و تمدن غربی هستند. ^۳

- لاپیتوس بارسلونی: ^۴ ما مسیحیان حکمت پیشینیان را فراموش کردیم و خداوند بار دیگر از طریق اعراب آن را به ما داد. ^۵

- ژوزف فرانسوا میشو: ^۶ جنگ‌های صلیبی ملت‌های اروپایی را غنی کرد. ^۷

- استیون رانسیمان: در آغاز جنگ صلیبی مرکز تمدن قسطنطنیه و قاهره بود، ولی در پایان، تمدن، مرکز خود را به ایتالیا و کشورهای اروپایی انتقال داد. ^۸

- گرونباوم: ^۹ جنگ‌های صلیبی بر اندیشه اروپایی اثر وافر گذاشت. ... و آثار زیادی بر سرزمین‌های غربی در قرون وسطا بر جای گذاشت. ^{۱۰}

بارتلمی سن هیلر: ^{۱۱} سرشت خشن فئودال‌ها و امیران غرب در قرون میانه به علت تماس و مراودات تجاری با اعراب تهذیب شد، آنها حسن اخلاق و نرمی عاطفه پیدا کردند بی‌آنکه از شجاعشان کاسته شود. ^{۱۲}

بدون تردید مغرب‌زمین در رهگذر مراوده با مسلمانان چه در اندلس و سیسیل و چه در چین و پس از جنگ‌های صلیبی وام‌های بزرگ علمی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اخذ کرد و ما در ادامه به آن اشاره می‌کنیم.

1. Haskins

۲. حائری، نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، ص ۱۲۹.

۳. حمدی زقزوق، اسلام و غرب، ص ۳۳.

4. Lapitus Wan Barcelona

۵. حمدی زقزوق، اسلام و غرب، ص ۳۲.

6. Joseph Francios Michaud

7. Riley Smith, *The Crusades Christianity and Islam*, p.72.

۸. رانسیمان، تاریخ جنگ‌های صلیبی، ج ۳، ص ۵۵۷. البته رانسیمان در جای دیگر (همان، ص ۵۵۴-۵۵۶) اثرپذیری جدی برای تمدن غربی قائل نیست.

9. Grunebaun

۱۰. گرونباوم، حضارة الاسلام، تعریب عبدالعزیز توفیق جاوید، ج ۲، ص ۵۲.

11. Barthelomy Saint Hilaire

۱۲. عاشور، المدینة الاسلامیة و اثرها فی الحضارة الاوروییه، ص ۲۱۰.

۱. زمینی شدن انسان و نزول ارزش‌های انسانی از آسمان به زمین، یکی از نخستین دستاوردهای مغرب‌زمین از اواخر دوره جنگ‌های صلیبی است. بد نیست در این باره به تحلیل زیبایی‌تاریخ‌نگار آنالیست معاصر، ژاک لوگوف^۱ توجه کنیم. او می‌نویسد:

اینک می‌خواهیم آن مقطع زمانی از قرون وسطا را که مردم به درک دگرگونی و پیشرفت‌های عظیم در همه مراتب و شوون زندگی ناائل آمدند و سیستم‌های ارزشی از بنیاد دگرگون شدند را به عنوان دوران فرود آمدن ارزش‌ها از آسمان به زمین معرفی کنیم. مسیحیت لاتینی در مواجهه با چالشی که این تغییرهای سترگ برای ارزش‌های سنتی قرون وسطایی اولیه ایجاد کرده بود، از میان راه‌حل‌های مختلف فرهنگی رویکرد به عوالم دنیایی را برگزید. البته چنین رویکردی نوعی رجعت در چارچوب اعتقادات مسیحی بود، بدون اینکه خواسته باشد آموزه‌های بی‌اعتنایی به دنیا "Contemptus Mundi" را که هنوز تا مدت‌ها کماکان برقرار می‌ماند، به کلی حذف و فراموش کند. فرایند دگرگونی در ارزش‌ها بدان سبب قادر به بروز و تجلی خود بود که هر گونه نوآوری صرفاً زیر پوشش التفات و احترام به آداب و سنت‌های باستانی، شرکی، یا مسیحی توسعه و تکوین پیدا می‌کرد. در اینجا جمله نمادینی از برنار کلرووئی را یادآوری می‌کنم که گفته است: "ما کوتوله‌هایی هستیم که بر دوش غولان سوار شده‌ایم". اولین قدم در تغییر ارزش‌ها در قرن سیزدهم و از آنجا به تدریج شروع شد که هر گونه نوآوری همانند سنن و عادات گذشته، دیگر بلافاصله مورد لعن و ملامت قرار نگرفت. برای نمونه، در نیمه نخست قرن سیزدهم تذکره‌نامه دومینیک قدیس، او را انسانی نوین و فرقه واعظان او را هم فرقه‌ای نوین معرفی و از آن تمجید می‌کرد. صد البته که مردمان قرون وسطایی اولیه هم برای گذران زندگی در این عالم به کار می‌پرداختند و برای کسب قدرت‌های مادی و دنیوی جنگ و مبارزه می‌کردند، اما ارزش‌های آنان ارزش‌های ماوراء مادی بودند: خدا، حکومت الهی، بهشت، ابدیت، خوار شمردن دنیا، گروش به نصرانیت و بالأخره ایوب که نمونه بارز موجودی خوار و حقیر در برابر ذات باری تعالی بود. آفاق فرهنگی، عقیدتی و وجودی که انسان‌های قرون وسطایی اولیه به اقصای آن نظر داشتند، چیزی جز آسمان نبود.

از قرن سیزدهم به بعد هم مسیحیان البته همچون گذشته در پی رستگاری و تهدیب معنوی خود بودند، اما آن را با اشتغالات دوگانه، هم در زمین و هم در آسمان جستجو می‌کردند. در همین زمان است که ارزش‌های دنیایی مشروع و نجات‌بخش با تغییر نگرش به ارزش منفی کار، که کفاره گناه تعبیر می‌شد، در قالب مثبت آن به عنوان صنع خلاقه خدایی متجلی می‌گردد و این گونه است که ارزش‌ها کم‌کم از آسمان فرود می‌آیند و بر زمین می‌نشینند. ابداعات، پیشرفت‌های فنی و فکری دیگر معصیت محسوب نمی‌شوند و بر لاداید بهشتی و زیبایی‌ها در این دنیا هم قابل کام‌جویی و بهره‌مندی می‌گردند. به انسان آموخته می‌شود که او

1. Jacques Logoff

خداگونه آفریده شده و قادر است بر روی زمین زمینه‌های رستگاری خویش را نه تنها از جنبه‌های سلبی و منفی، بلکه در مفهوم ایجابی و مثبت آن هم ایجاد نماید. به این نکته تأکید می‌شود که مسیح با هبوط به این عالم و حوزه مرگ، آدم و حوا را نیز از برزخ رها کرده است. موضوع پایان دنیا در مسیحیت دیگر به مفهوم فنا و سقوط نیست، بلکه اوج گرفتن به سوی آخرالزمان است. اگر تفکرات پایان دنیایی یعقوب فیوره‌ای فقط احساسات تعداد کمی را برمی‌انگیزد، ولی اکثریت مردم اینک برداشت مثبتی از تداوم زمان و تاریخ پیدا کرده‌اند. در محافل دانشگاهی نیز دگرگونی‌هایی ایجاد می‌شود به جای مشایخ و علمای خودرأی قدیم (Authentica) استادان جدید (Magistralia) ظاهر می‌گردند.

باشد که در شؤون اقتصادی تصویری از رشد در اذهان نقش می‌بندد، اما ترقی و پیشرفت به مفهوم واقعی تازه، در اواخر قرن هفدهم ایجاد می‌گردد. بهره‌وری بیشتر از آسیاب و تکمیل و توسعه آن به آسیاهای سندان و آبی و آسیای مالت – یا خمیرگری و مانند اینها، دستگاه بافنده پدالی افقی که جایگزین نوع عمودی آن شد، به کارگیری میل چرخ‌دنده (بادامک) که حرکت‌های متناوب را جایگزین حرکت‌های خطی نمود، همه و همه باعث پی بردن به ارزش و فواید پدیده نوظهوری به نام نیروی مولد و فرآوری می‌شود. مائده به جای آسمان از زمین به وفور فرامی‌رسد و در امر کشاورزی هر جا که شرایط زمین، آب و هوا و تشکیلات کشاورزی اقتضا می‌کرد، آیش سه قسمتی زمین جایگزین آیش دو قسمتی شد. این شیوه کشت و زرع که فرهنگ تنوع در استفاده از فصل‌های سال را ممکن می‌ساخت (فرصت بهره‌وری در فاصله زمانی میان کشت بهار غلات و کشت پاییزه غلات) اراضی قابل زرع را عملاً به حدود شش برابر افزایش داد. اقتصاد کشاورزی – همانند اواخر عهد باستان – دوباره ارج و قرب یافت و درباره آن کتاب‌هایی تألیف شد. از جمله می‌توان به کتاب فلاحت (Husbandary)، نوشته والتر او هنلی انگلیسی، یا کتاب *Ruralium Commodorum Opus* اثر پتروس دکرستیس اشاره کرد که کتاب ذکر شده به دستور شارل پنجم پادشاه فرانسه در قرن چهاردهم به زبان فرانسه ترجمه شد. گرچه نباید درباره این دگرگونی‌ها اغراق‌گویی کرد، اما به هر حال آن هم باز حاکی از رویکردهای این دنیایی جوامع مسیحی بوده است.

"turpe lucrum" به معنای "منفعت ننگ‌آور" که مانع از گسترش معاملات پول و بهره می‌شد، با تدبیرهای حمایتی و همراه با آیه و دلیل عمدتاً فرقه فقرا، هرچه بیشتر به کنار زده می‌شود و از حالت می‌افتد. پیشتر دیده بودیم که فرقه فقرا چگونه فعالیت بازرگانان را تشویق و توجیه می‌کردند و دلیل می‌آوردند که آنان متاع هرچه بیشتری را که خداوند در گوشه و کنار دیگر عالم در دسترس قرار داده برای دیگر مردمان قابل دسترسی می‌کنند. با توسعه و تعمیم ارزش‌های نوین، "حساب و نسب" (ratio) نیز چه در معنای فکری و تعقلی آن و چه در عرصه محاسباتی با اقبال بسیاری مواجه گردید.

سهم‌بندی اراضی مزروعی و به کارگیری شیوه‌های وصول مالیات در سال ۱۸۵ از سوی ویلیام فاتح پادشاه نورمانی انگلستان اجرا شد. این تحول موضوعی شگفت‌انگیز و نسبت به دوره